



از قطام تا آی بانو؛ ویشکا آسایش از بازی در نقش‌های تاریخی اش می گوید

آی بانو، آرام تر از قطام است

وحید سعیدی

زمان پخش سریال امام علی^(ع)، سوالی مشترک بین همه مخاطبان این سریال مطرح بود که بازیگر نقش قطام کیست. بازیگری که توانسته بود با این «شاه نقش» نظر همه را به سوی خود جلب کند، دختر جوانی بود به نام ویشکا آسایش که در واقع نخستین تجربه بازیگری خود را پشت سر می گذاشت. بعد از پخش سریال بود که نام او سر زبان‌ها افتاد اما این درست مصادف با زمانی بود که او برای ادامه تحصیل به انگلستان رفت. پس از بازگشت، بار دیگر فعالیت‌های بازیگری خود را با داوود میرباقری در دو فیلم «ساحره» و «مسافر ری» ادامه داد و در ادامه، فیلم‌هایی چون بلوغ، عشق به اضافه دو، گل یخ، هشت پا و... در کارنامه او به ثبت رسید؛ اما فاصله‌ای چند ساله او را از عرصه بازیگری دور کرد تا اینکه با پیشنهاد محمد حسین لطیفی وارد پروژه «نردبام آسمان» شد. نقش آی بانو تماشاگرانی را که از آسایش سابقه قبلی داشتند به سال‌ها قبل یعنی سال‌های پخش سریال امام علی^(ع) برد. نگاه‌های نافذ آی بانو همه را به یاد نگاه‌های قطام انداخت که چطور ولید و مروان و بعد این ملجم را ذلیل و خوار کرد. او در گفت‌وگویی که با ما داشت، درباره نزدیکی نقش‌هایش به یکدیگر و فاصله چند ساله بین کارهایش گفته است.

قطام و روشنگ - فرق کند. همه نگرانی‌ام این بود که بیننده با دیدن آی بانو بگوید این قطام است. آقای لطیفی می‌گفت بازی کن و من متوجه نبودم چه کار می‌کنم ولی آقای لطیفی می‌گفت که بازی ات شبیه قطام نیست.

● وقتی قطام را بازی کردی ۲۰ ساله بودی. آن قطام چقدر مربوط به خودتان بود و چقدر مربوط به کارگردانی میرباقری؟

در باره سریال امام علی^(ع) خوب یاد می‌آید که اصلاً فیلمنامه را خواندم. اولین پلان بازی‌ام این بود که باید پشت پنجره می‌رفتم و شخصیت محمدابن ابی بکر را که پرویز پرستویی بازی می‌کرد، نگاه می‌کردم و او هم به من نگاه می‌کرد. آقای میرباقری به من گفت جوری نگاه کن که نتواند نگاهت را تحمل کند و خجالت بکشد و برود. من نمی‌دانم آن نگاه از کجا آمد. ولی چون اولین روز کارم بود و می‌خواستم ثابت کنم که از عهده کاری که به من محول کردند بر خواهم آمد آن نگاه را کردم و خوب، نگاه خوبی هم شد؛ طوری که آقای پرستویی خنده‌اش گرفت و گفت چرا این جوری نگاه می‌کنی! از آن به بعد من آن نگاه را پیدا کردم و حفظ کردم. البته اول خیلی غریزی بود، بعد تربیت شد و آقای میرباقری راهنمایی‌های زیادی کردند و روی آن نگاه که در آمد کار کردیم.

● موقعی که با یک نقش برخورد می‌کنید، روی چه نکته‌های مانور می‌دهید تا آن ویژگی اغواگری نقش در بیاید و باورپذیر شود؟

خب وقتی آدم فیلمنامه را می‌خواند نکته‌های ویژه‌ای را پیدا می‌کند؛ مثلاً آی بانو در صحنه‌ای که نوشیدنی برای پدرش و غیث‌الدین می‌آورد از لحاظ فیزیکی نسبت به غیث‌الدین برتری موقعیتی دارد و همین نکته کافی است که آدم فکر کند با چه حرکت یا نگاهی می‌تواند تاثیر صحنه را بیشتر کند. نکته‌ای که مهم است و در سریال امام علی^(ع) هم به من یاد دادند این بود که کاری که انجام می‌دهی را باور کن. بنابراین یک وقت‌هایی بازیگر باید خودش را واقعا در شرایط نقش بگذارد. من هم واقعا خودم را در آن تاریخ و موقعیت گذاشتم و مثلاً در همان صحنه چای آوردن، فکر کردم به عنوان یک زن باید چه عکس‌العملی داشته باشم. اینجاست که هر کس به شکل و شیوه‌ای خاص عمل می‌کند. فکر می‌کنم اگر بازیگری عمیق در خودش فرو برود، حرکاتی را پیدا می‌کند که خاص خودش و طبیعی است اما اگر فقط ظاهری و سرسری به نقش و آن سکانس نگاه کند، حرکاتش تبدیل به ادا می‌شود.

● الان چقدر بازیگری برایتان مهم شده؟ هنوز هم مثل همان چهار سال قبل که بازیگری برایتان یک کار جانبی بود، آن را جدی نمی‌گیرید؟

الان بازیگری برایم جدی‌تر شده. زمانی که از سینما دلسرد شدم به همان دلیل پیشنهاد نقش‌های تکراری بود و من دوست نداشتم و ندارم کلیشه بشوم. ضمناً کارگردان و عوامل گروه هم برایم خیلی مهم است. وقتی نقش آی بانو

قطام نخواهد شد و البته تاکید کردند که چه اشکالی دارد وقتی ویژگی‌هایی داری از آنها استفاده کنی. برای آی بانو هم این نکته را به آقای لطیفی تاکید کردم. فرقی که آی بانو با باقی شخصیت‌هایی که بازی کردم دارد این است که آی بانو تغییر شخصیت می‌دهد. در جوانی همان زن اغواگر و شیطان است اما بعد به خاطر اتفاق‌هایی که در زندگی‌اش می‌افتد پخته‌تر می‌شود و رفتارش تغییر می‌کند.

به هر حال شما بعد از ۶ سال به بازیگری برگشتید و آی بانو می‌توانست همان ذهنیت را برای بیننده ایجاد کند. چه کردید که مثل قبل دیده نشود؟

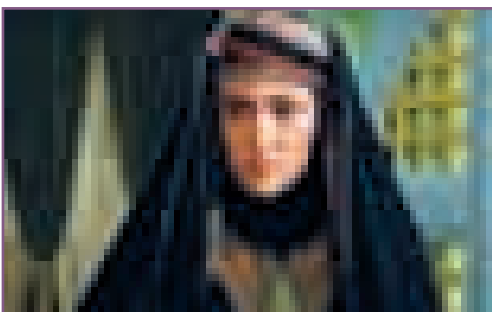
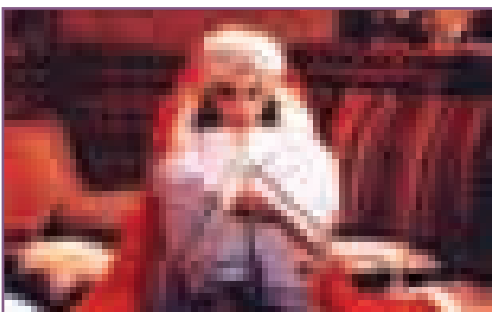
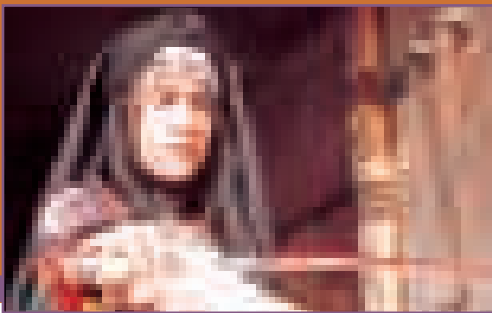
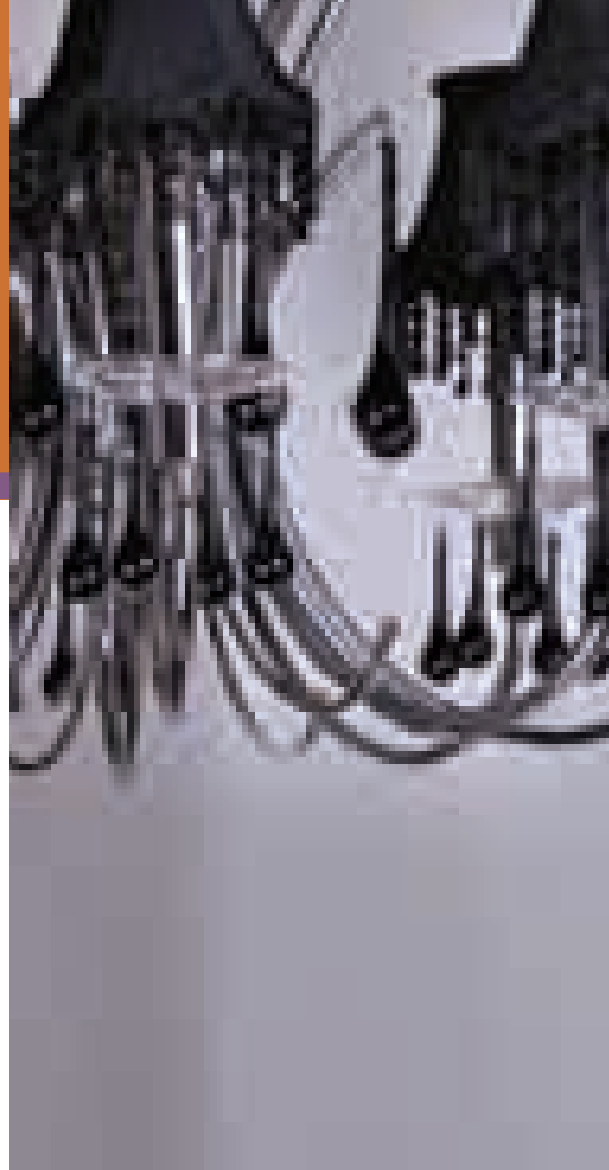
راستش کمی سخت بود چون چیزی که کارگردان، نویسنده و قصه‌از من می‌خواست شخصیتی بود که محکم و قوی باشد و در عین حال اغواگری‌هایی هم داشته باشد و بتواند خیلی ملایم غیث‌الدین را به طرف خودش جذب کند. اجرای این ویژگی‌ها کنار هم خودش به تنهایی سخت است. برای من هم سخت‌تر بود چون خودم کمی خجالتی هستم و باید فکر می‌کردم که چطور این نقش را بازی کنم که هم مبالغه نشود و هم با نقش‌های قبلی‌ام - مثل

● در کارهایتان ما با زنی طرفیم با ویژگی‌های خاص؛ زنی که مردان را می‌شناسد و می‌داند چطور وارد دنیای آنها شود. این ویژگی از نقش قطام به شما سرایت کرد یا به خاطر ویژگی‌های ظاهری خودتان است؟

خب قطام یک شروع بود و متأسفانه بعد از آن هر پیشنهادی به من می‌شد تقریباً شبیه همان قطام بود؛ همان دختر خشن و جدی‌ای که می‌خواهد بدجنس باشد. قبول دارم که این نقش‌ها شباهت‌هایی به هم دارند چون فکر می‌کنم کارگردان‌ها به خاطر نوع فیزیکی و راه رفتن و حرکات برای این نقش‌ها انتخاب می‌کردند؛ مثلاً برای نقش روشنگ در مسافری و برای آی بانو در «نردبام آسمان» برای کارگردان‌ها مهم بود که بازیگر این نقش حتماً سب سوار باشد و حرکات ورزشی‌اش خوب باشد.

● وقتی پیشنهاد بازی در نقش آی بانو را گرفتید چه ویژگی متفاوتی در آن دیدید که قبولش کردید؟

یکی از دلایلی اطمینان خاطر می‌بود که آقای لطیفی به من دادند. برای نقش روشنگ (مسافر ری) هم همین اتفاق افتاد. من به آقای میرباقری گفتم که نمی‌خواهم نقش قطام را دوباره تکرار کنم و ایشان هم گفتند مطمئناً شبیه



ابن سینا، شباهت زیادی به نردبام آسمان دارد

از پارانجام تالطیفی

بوعلی سینا در سال ۱۳۶۵ توسط کیهان رهگذر نوشته و کارگردانی شد. بوعلی سینا در قرن چهارم زندگی می‌کرد. نردبام آسمان زندگی غیاث‌الدین جمشید کاشانی را در مقطع تاریخی نزدیک‌تری روایت می‌کند. دوران بعد از حمله تیمور و قرن هشتم که دورانی کمتر شناخته شده بین مردم است و پیش از این در مجموعه یا فیلمی به تصویر کشیده نشده است.

هر دو مجموعه از کودکی تا پیری دانشمند را روایت می‌کنند. هر دو سعی دارند هوشمندی تعبیرانگیز دانشمند را در تمام زندگی او نشان دهند. دو سردار غزنوی سریال بوعلی سینا، از دوران کودکی بی‌ابن سینا می‌روند این سینا همواره در سفر است و جمشید هم مجبور می‌شود از کاشان به سمرقند کوچ کند. ابن سینا در مجموع سریالی سنگین‌تر از نردبام آسمان است و شاید امروزه مخاطب معمولی تلویزیون کمتر تحمل تماشای آن را داشته باشد. گفت‌وگوها به زبان مردم آن عصر و نه محاوره امروزی بودند و علاوه بر این بعضی گفت‌وگوها حاوی کنایه و دیگر زیبایی‌های ادبی هم بودند. اما گفت‌وگوهای نردبام آسمان گاهی بسیار نزدیک به گفت‌وگوی عامیانه امروزی و گاهی نزدیک به متنی ادبی است. این ناهماهنگی حتی در بعضی موارد در یک جمله از زبان یک شخصیت هم دیده می‌شود که آمیخته‌های نامناسب از لحن عامیانه و ادبی است. مانند این جمله از زبان داروغه: «این جوون (جمشید) و یکی از یاراش دوش در حلقه یاران صفر بودند».

نوع کارگردانی مجموعه اول به شدت تحت تأثیر سبک سینمای شاعرانه بود؛ سبکی که آن روزها بعد از زندگی دوباره سینمای ایران پس از انقلاب به عنوان روش منطبق با سینمای دینی شناخته می‌شد. در آن زمان آثار کارگردانی مانند آندره تارکوفسکی و سرگی پارانجام‌الگوی فیلمسازان جوان ایرانی بودند و فیلم‌های سینمایی فراوانی در آن حال و هوا ساخته می‌شدند. برای نمونه نمای طولانی پایان سریال ابن سینا که مرگ و تشییع جنازه بوعلی را نشان می‌دهد و گریزی به صحبت‌های او و برادر کوچک‌ترش در دوران کودکی درباره مرگ دارد، نمونه مشخص نوع کارگردانی متداول آن روزهای سینمای ایران است.

اما محمدحسین لطیفی همواره با کارگردانی ساده و انتخاب روایت آسان خود سعی دارد مخاطبان بیشتری را جذب کند. ابن سینا در دوران جنگ ساخته شد. به همین دلیل در آن صحنه‌های پرجمعیت و دکورهای عظیم که لازمه معمول یک فیلم تاریخی هستند، دیده نمی‌شوند. در مقابل، نردبام آسمان سریالی پرخرج و از نوع الف و بیژه است که دکورهای بسیاری برای آن ساخته شده و البته با استفاده مناسب از جلوه‌های بصری رایانه‌ای به عظمت دکورها افزوده شده است. پخش سریال در ماه رمضان قطعاً در میزان موفقیت آن تأثیر داشته است. به نظر می‌رسد این پخش شبانه فرصت تبلیغ مناسب را برای مجموعه گرفت اما در عوض مخاطبان آن را زیاد کرد. شاید اگر سریال به صورت هفتگی پخش می‌شد، وضعیتی بدتر، مشابه «در چشم باد» یا حتی «شیخ بهایی» پیدا می‌کرد.

ابن سینا در زمان پخش اول خود مخاطبان زیادی داشت. اما باید این را هم در نظر گرفت که در دهه ۶۰ تنها دو شبکه تلویزیونی وجود داشت و خبری از ویدئو و ماهواره نبود. البته در کنار این نکته، باید گفت که سریال‌های تاریخی آن زمان در مجموع کیفیت بهتری نسبت به اغلب مجموعه‌های امروزی تلویزیونی داشتند؛ سریال‌هایی مانند «هزار داستان»، «سربداران» و «کمی بدتر» «میرزا کوچک‌خان». به نظر می‌رسد نردبام آسمان نه در جذب گسترده مخاطبان موفق است و نه به عنوان یک مجموعه ماندگار مانند ابن سینا یا حتی شهر آشوب (در صورت پخش از تلویزیون) در آذهای مخاطبان نسبتاً محدود خود می‌ماند.

ع.خ

می‌کردم خودم هم تفاوت‌هایی در نوع بازی‌ام قائل شوم؛ مثلاً اگر یادتان باشد قسام ریتم تندی داشت و تند راه می‌رفت و خیلی زیاد حرکت می‌کرد اما در آی بانو سعی کردم آهسته‌تر راه بروم و حرکت کنم. گاهی هم که تند راه می‌رفتم لطیفی به من تذکر می‌داد که اینجا قسام شدی، باطمینان راه برو.

● **الان که سریال را نگاه می‌کنید، آن را چطور ارزیابی می‌کنید؟**
من نردبام آسمان را خیلی دوست داشتم. یکی از دلایلی که آن را خیلی دوست دارم این است که کار خیلی نزدیک به ما و حال و هوای ماست، نکته دیگری که در سریال خیلی دوست دارم، ریتم تند آن است چون معمولاً سریال‌های تاریخی ریتم کندی دارند و شخصیت‌ها خیلی آرام صحبت می‌کنند؛ انگار شما تئاتر تماشا می‌کنید. اما نردبام آسمان خیلی کادری و خشک نیست و در قصه‌اش هم جادوگری هست، هم شوخی وجود دارد و بیننده حس نمی‌کند با یک کار تاریخی خیلی خشک طرف است. داستان نردبام آسمان خوشی و شادی و غم و سختی را در کنار هم دارد.

● **فکر نمی‌کنید اگر سریال ماه رمضان پخش نمی‌شد بهتر بود؟**
من چون چندین تلویزیون نمی‌بینم، نمی‌توانم نردبام آسمان را با سریال‌های ماه رمضان مقایسه کنم؛ فقط می‌دانم که بچه‌های گروه مجبورند کارها را خیلی به سرعت انجام دهند که به پخش برسند. اما فکر می‌کنم مردم همین هر شب پخش شدن سریال را دوست دارند و برایشان جذاب است و لازم نیست منتظر بمانند تا هفته آینده و قصه یادشان برود. من نمی‌توانم درباره اینکه چه زمانی برای پخش مناسب‌تر است نظر درستی بدهم.

● **شما در سریال امام علی^(ع) یک بازیگر تازه وارد بودید. برعکس در نردبام آسمان شما یک بازیگر حرفه‌ای بودید و بازیگر مقابلتان برای اولین بار به صورت حرفه‌ای جلوی دوربین می‌رفت. این تازه کاری بازیگر مقابلتان روی کار شما تأثیر نداشت؟**

نه، من اصلاً به این موضوع فکر نکردم چون در آن زمان که قسام را بازی کردم، هیچ آشنایی‌ای با سینما نداشتم و هیچ بازیگری را نمی‌شناختم و آن دغدغه‌ای را که بازیگرها در این شرایط دارند، نداشتم. اصلاً نمی‌دانستم چه کسی قدیمی‌تر و حرفه‌ای‌تر است و چه کسی سوپر استار است و باید طور خاصی با او رفتار کنم. بازیگرهای سریال امام علی^(ع) هم خیلی این احساس خوب را به من می‌دادند؛ مثلاً احساس می‌کردم سیروس گرجستانی که نقش پدرم را بازی می‌کرد واقعا پدرم بود. در نردبام آسمان هم به خاطر این ذهنیت فکر نمی‌کردم بازیگر مقابلم کم‌تجربه است و خودم با تجربه‌ام و بازیگر مقابلم باید به من احترام بگذارد.

پیشنهاد شد، خیلی برایم مهم بود که کارگردان آقای لطیفی است و کار ویژه است و خب همه این دلایل من را جذب کرد؛ به خصوص دیدم که من بعد از شش - هفت سال که خودم را کنار کشیده‌ام، حالا یک داستان و نقش خوب من را جذب کرده است.

● **در رابطه با رشته تحصیلی تان، طراحی صحنه چطور؟ آن را ادامه می‌دهید؟**

طراحی صحنه هم برایم خیلی مهم است. الان هم مشغول طراحی صحنه نمایشی هستم که قرار است در جشنواره بانو اجرا شود. بیشتر هم ترجیح می‌دهم برای تئاتر طراحی صحنه کنم تا سینما و سریال؛ چون در فیلم سینمایی و سریال طراحی صحنه آن قدر فعال نیست مگر اینکه کار تاریخی باشد. طراحی صحنه کار تاریخی، خیلی جذاب است. نمی‌توانم بگویم بین بازیگری و طراحی صحنه کدام جدی‌تر هستند.

● **اگر الان می‌خواستید ادامه تحصیل بدهید باز هم همین رشته را انتخاب می‌کردید؟ چون ویشکا آسایش بازیگر بیشتر از آسایش طراح صحنه دیده شده.**

بازیگری برایم مهم است ولی فکر می‌کنم آدم عملی‌ای هستم و دوست دارم کارگری کنم. مجسمه‌سازی یکی از کارهایی است که دوست دارم و الان هم انجام می‌دهم؛ یعنی اگر قرار باشد کنایی درباره بازیگری بخوانم ترجیح می‌دهم کتابی درباره مواد و متریال مجسمه و... بخوانم. دوست دارم درباره فلزات بخوانم و بینم هر چیزی را اگر با چیز دیگری ترکیب کنم چه اتفاقی می‌افتد. علاقه عجیبی به کار کردن با مواد و کار کردن با دست دارم.

● **برگردیم سراغ نردبام آسمان. در اولین برخوردی که با فیلمنامه داشتید، نوع دیالوگ‌ها را چطور دیدید؟ به خصوص اینکه شما سابقه کار تاریخی هم داشته‌اید.**

دیالوگ‌ها در سناریوی اصلی نردبام آسمان خیلی شق و ررق تر بودند. به خاطر وقت کم، فیلمنامه را کامل نخواندم اما چون به آقای لطیفی اطمینان و اعتقاد داشتم، داستان را برایم کامل تعریف کردند. وقتی فیلم برداری شروع شد هم آقای لطیفی گفتند دیالوگ‌ها را روان‌تر می‌کنیم و همه تغییرات هم در صحنه اتفاق می‌افتاد. کار جالبی که آقای لطیفی انجام می‌دادند این بود که به حال و هوای سکانس خیلی توجه می‌کردند که خیلی خشک نباشد.

● **با اینکه فیلمنامه را کامل نخوانده بودید، نمی‌توسیدید نقش شبیه قسام شود؟**

چرا گاهی ترس برم می‌داشت و مرتب از آقای لطیفی می‌پرسیدم الان چطور است آقای لطیفی هم اطمینان می‌داد که نه، شبیه قسام نمی‌شود. البته سعی

